

روند تغییرات فرهنگ و شیوه زندگی زن و خانواده ایرانی در خانه‌های سنتی و مدرن (مورد مطالعه: شهر اردبیل)

چکیده

شیوه زندگی مجموعه‌ای جامع از عملکردهای روزمره است و برآورنده نیازهای مادی و معنوی انسان می‌باشد. تبدیل خانه‌های گذشته و سنتی به آپارتمان‌های امروزی، علاوه بر تغییرات کالبدی، عملکردی و فضایی معماری مسکن و محیط‌های مسکونی باعث تغییر در شیوه زندگی خانواده ایرانی شده است. از دیگر مسائلی که در روند تغییرات خانه‌های سنتی به امروزی تغییر کرده است مسئله جنسیت و روند تغییرات آن از گذشته تاکنون است. بازنمایی و خوانش جنبه‌های عینی و تاریخی جنسیت با تمرکز بر زنانگی در بستری که همواره با تحلیل و تفاسیری از مفاهیم قدسی همراه بوده است، در کشف زوایای پنهان با نگاهی متفاوت به معماری ایرانی-اسلامی یاری‌رسان است و می‌تواند در گسترش دایرهٔ زبانی و ادبیات معماری ایرانی نیز ایفای نقش کند. در این پژوهش از روش ترکیبی در نمونه‌موردی استفاده شده و روش‌های توصیفی و کیفی، تحلیلی و روش میدانی به بررسی خانه‌های سنتی و مدرن در محدوده شهر اردبیل پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که فضاهایی مانند دهلیز و صاندیخانا به کلی از فرهنگ فضایی امروزه مردم اردبیل حذف شده است. با انتقال فعالیت‌های اجتماعی از داخل خانه به فضای خارج از آن، خانه مکانی برای انجام فعالیت‌های شخصی مبدل شده است. این امر سبب گرایش به اتاق‌های شخصی برای افراد خانواده و تبدیل اتاق‌های چندعملکردی به فضای تک‌عملکردی شده است. این مهم، انسان امروز را هرچه بیشتر از فعالیت‌های اجتماعی در محدوده خانه دور می‌کند و او را در خانه به حال خود وامی‌گذارد.

اهداف پژوهش:

۱. آشنایی با روند تغییرات فرهنگ و شیوه زندگی زن و خانواده ایرانی در خانه‌های سنتی دوره قاجاریه، خانه سنتی دوره پهلوی و خانه‌های مدرن.
۲. بررسی تحولات خانه‌های سنتی و مدرن در شهر اردبیل.

سؤالات پژوهش:

۱. روند تغییرات فرهنگ در خانه‌های سنتی قاجار و پهلوی و خانه‌های معاصر چگونه است؟
۲. خانه‌های سنتی و مدرن شهر اردبیل از دوره قاجار تا معاصر چه تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند؟

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، شیوه زندگی، خانه سنتی، خانه مدرن.

مقدمه

مدرنیته عاملی بسیار مهم بر دگرگونی زندگی اجتماعی بیشتر از جمله هویت زن و خانواده ایرانی بوده است. در ایران، فارغ از رخ دادن یا ندادن مدرنیته، می‌توان اذعان داشت رویدادهای اجتماعی-فرهنگی از نیمه‌های دوره قاجار و با شدت در دوره پهلوی به بازتعریف نقش زنان و خانواده ایرانی در جامعه منجر شده است (خانانزاده و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از مهم‌ترین مواردی که در دوره تاریخی قاجاریه تا امروزی به صورت کامل تغییر هویت داده است مربوط به خانه‌های مسکونی بوده است که باعث تغییر در شیوه زندگی شده است. خانه، مبدأ و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌های برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از انجام کار و کسب تجربه به خانه بازمی‌گردند. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۰). بنابراین خانه باید بتواند در فضای درونی و جلوه بیرونی خود توقع «مرکز دنیای فردی بودن» را برآورده سازد. توجه به معماری بومی در اواسط قرن بیستم در پی بروز مشکلات و کمبودهای حاصل از تغییراتی که مدرنیته و جامع صنعتی ایجاد کرده بود، آشکار شد. این علاقه به بررسی معماری بومی که یا در واکنش به گمنامی معماری خود و یا در صدر یافتن اصولی برای حل مشکلات شکل گرفته، ایجاد شده بود؛ طیف گسترده‌ای از زمینه‌های مختلف از جمله ابعاد انسانی، نیازها و فرهنگ کاربران، مواد و مصالح ساختمانی، اقلیم، انرژی و ... را شامل می‌شود (صادق پی، ۱۳۹۱، ۶). محققانی چون راپاپورت یکی از عوامل مؤثر در معماری بومی را مباحث مربوط به زمینه‌های فرهنگی مطرح در معماری بومی را برپایه مسائل فرهنگی می‌دانند. تا حدی که پاول (۲۰۰۶) با مطالعه خانه‌های جنوب شرقی آسیا، حالت سمیزی افغانستان، ابوترابی نیجریه، پیرنیا ایران بر لزوم توجه به معماری بومی تأکید کرده‌اند. بنابر تعریفی که پاول الیور از معماری بومی دارد، معماری بومی، آن گونه از معماری است که از درون جوامع رشد می‌کند و طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و باز ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه‌های زندگی فرهنگ‌هایی که مولد آن‌ها هستند، سازگار می‌باشند و یا به طور خلاصه معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است. در این تعریف اهمیت مشارکت مردم در تدوین معماری بومی، به وضوح قابل ملاحظه است تا جایی که راپاپورت نیز اذعان می‌دارد: «این نوع مسکن (بومی) تجلی آنی ارزش‌های در حال تغییر و نیز تصویرخانه و جهان‌بینی و شیوه زندگی است و حاصل مجموعه‌ای از موقعیت‌هاست» (راپاپورت: ۱۳۸۸: ۲۶).

روان‌شناسان اجتماعی، فرهنگ را به این صورت تعریف می‌کنند: «توانایی‌ها و عادت‌هایی که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب کرده است». فرهنگ و هنر همواره دارای برهم‌کنش‌های فراوانی بوده‌اند و هرگز نمی‌توان تأثیر فرهنگ یک منطقه را بر هنر و معماری آن منطقه منکر شده و نادیده گرفت. بنابراین معماری هر سرزمین ریشه در ادب و فرهنگ آن سرزمین دارد. بدون شناخت ادب و فرهنگ مردمانی که در پهنه آن سرزمین زیسته‌اند، نمی‌توان معماری آن منطقه را درک کرد. همچنین شناخت معماری بومی می‌تواند به منزله شناخت آن جامعه باشد. بنابراین معماری به عنوان یک پدیده اجتماعی از فرهنگ نشأت گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد. به عبارتی مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخ‌گویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف منجمله فرهنگ ایجاد می‌شود. پرچمدار مطالعات مسکن با رویکرد فرهنگی راپاپورت است. وی در پی تحلیل فرهنگ، رابطه میان خانه (مسکن/سکونتگاه) و هویت بوده و معتقد است هر بنایی تحت تأثیر فرهنگ ساکنانش شکل می‌گیرد و مطابق با آن اداره می‌شود و با شناخت هویت و خصوصیت یک فرهنگ و وقوف به ارزش‌های آن می‌توان به بررسی نحوه سکونت در آن فرهنگ پرداخت. سکونتی که

باید هر دو نیاز فیزیکی و فرهنگی را جوابگو باشد. راپاپورت برای توضیح رابطه‌ی فرهنگ و محیط، مفهوم فرهنگ را تجزیه می‌کند. در قدم نخست فرهنگ را نوعی جهان‌بینی قلمداد می‌کند. جهان‌بینی «گرش اعضای یک فرهنگ خاص در یک جامعه به تمام موضوعات مرتبط به هستی‌شناسی است» (پوردیپیمی: ۵: ۱۰). تجزیه و تحلیل فرهنگ برای طراحی محیط‌های مصنوع اهمیت دارد. چراکه شیوه هر کدام از گروه‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارد که عوامل عضویت در گروه اجتماعی نظیر سن، جنس، طبقه، مذهب، تحصیلات، حرفه، ایدئولوژی و... آن را تعیین می‌کند. روش زندگی به‌طور فزاینده‌ای در تقسیم‌بندی بازار مسکن، تحقیقات علمی درباره استفاده‌کنندگان و در طراحی واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار می‌گیرد. شیوه زندگی افراد را می‌توان با سنجش الگوهای مصرف، خوراک، حمل و نقل، رسانه‌ها، نوع تفریح و گذران فراغت، ارتباطات جمعی، نوع استفاده از محیط‌های اجتماعی و... تعیین کرد (همان: ۱۴). تبدیل خانه‌های گذشته و سنتی به آپارتمان‌های امروزی، علاوه بر تغییرات کالبدی، عملکردی و فضایی معماری مسکن و محیط‌های مسکونی باعث تغییر در شیوه زندگی خانواده ایرانی شده است. بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلى با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. از تحقیقات و نظریه‌هایی که در زمینه خانه و شیوه زندگی صورت گرفته است، می‌توان به موارد شامل موارد زیر اشاره کرد:

در تحقیقات جامعه‌شناس معاصر «پی‌یر بوردیو» درباره خانه ایده‌آل، تمایز در سبک زندگی با استفاده از تکمیل پرسش‌نامه‌ای جامع از طبقات اجتماعی «تجمل‌پسند» تا «ضرورت‌پسند» نشان داده شده است. به گفته وی در سلسله‌مراتب اجتماعی بالاتر، توجه بیشتری به ویژگی‌های زیبایی‌شناختی می‌شود و در مقابل توجه به پاسخ‌های محیطی کارکردگرا کاهش می‌یابد (بوردیو: ۱۳۹۱: ۳۳۸). این نتیجه حکایت از نیاز به شناخت تمایز میان خواسته‌ها و نیازهای انسان توسط طراحان دارد. راپاپورت در دهه ۱۹۷۱ میلادی که به ساختار کلی فرهنگ و عوامل مؤثر بر محیط‌های ساخته‌شده می‌پردازد، روش زندگی را به‌عنوان بخشی از اجزای فرهنگ می‌داند که بر سیستم فعالیت‌ها و در نتیجه بر انتخاب کیفیت‌های زندگی و محیط ساخته‌شده، تأثیر می‌گذارد (Rapoport, ۲۰۰۵) او بیان می‌کند که اگر قدرت و توان یک پناهگاه، نقش انفعالی خانه باشد، هدف فعال خانه ایجاد محیطی است که به بهترین شکل با شیوه زندگی یک قوم هماهنگ و مرتبط باشد (راپاپورت: ۱۳۹۱: ۸۲).

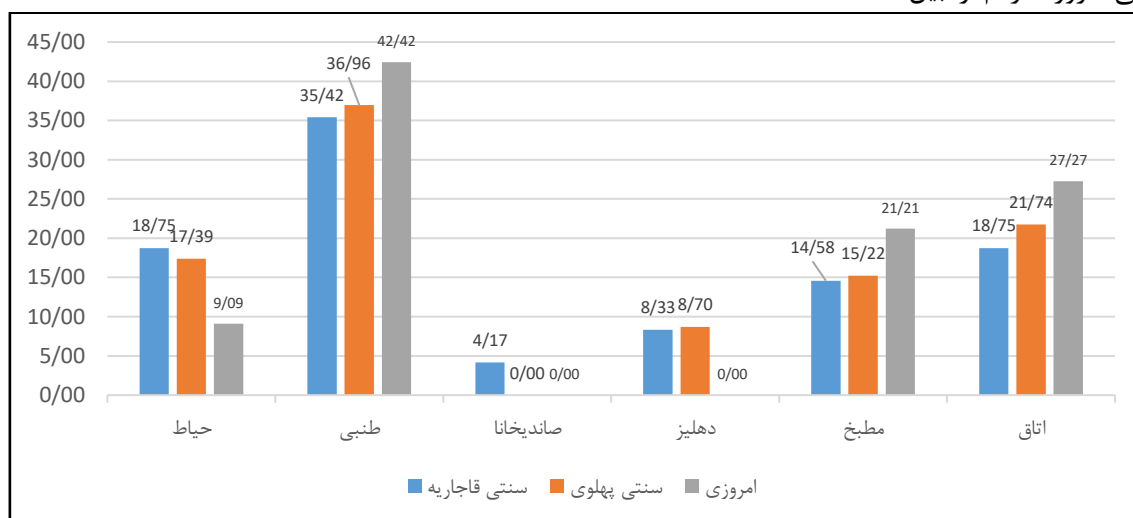
لارنس در زمینه شیوه زندگی روزمره و چگونگی استفاده از فضا بیان می‌کند که به منظور درک معانی نهفته در طراحی کاشانه‌ها، باید چگونگی انتظام رفتارها و فعالیت‌ها در محیط‌های مسکونی که از طریق قانونمندی و قواعد مرسوم پدید می‌آیند، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. رسوم زندگی که نقش محوری در این ارتباط را ایفا می‌کنند، می‌تواند در کشف شیوه استفاده از فضاها بسیار سودمند باشند (Lawrence: ۱۹۹۵). توماس هجرپ قوم‌شناس دانمارکی در کتابی تحت عنوان «ملت، فرهنگ و شیوه زندگی: در تحلیل خود» به معرفی سه نوع شیوه زندگی می‌پردازد که شامل خود اشتغالی (عدم جدایی بین کار و فضای خانه)، دستمزد نان‌آور (خانه تنها مکانی برای اهداف تفریحی و نه معیشتی) و پیشه حرفه‌ای (خانه منعکس‌کننده برنامه‌های شخصی) بوده و در این دسته‌بندی نشان می‌دهد که سطح درآمد، محل کار و سبک کار فردی، نیازها و اولویت‌های خانه را تغییر می‌دهد. ماری داگلاس انسان‌شناس انگلیسی در سال ۱۹۶۶، چهار خرده فرهنگ را معرفی کرده که شامل رقابت و فردیت، اجتناب از کنترل‌های اجتماعی، تساوی حقوق و مذاکره و جوامع سلسله‌مراتبی بوده و بیان می‌کند که چگونه می‌توان با این خرده‌فرهنگ‌ها به بررسی محیط خانه

پرداخت. تیپولوژی خانه‌ها از نظر اندازه خانه، همسایگی و تصویر کلی خانه منعکس‌کننده این تئوری است (Salama : ۲۰۰۶: ۷۲).

یکی از تحقیقات میدانی، تحقیق چاپین (۱۹۳۵) است که در آن‌ها تکیه اصلی به بررسی محل سکونت، نوع خانه، وسایل اتاق نشیمن و دیگر جلوه‌های عینی‌شان و منزلت می‌باشد که موسوم به «مقیاس اتاق نشیمن» است. این مقیاس بر مبنای این واقعیت ساخته شد که عموماً «سبک زندگی» و خصوصاً اشیای تحت تملک مردم، در طبقه‌های مختلف تفاوت دارد. از نظر چاپین، لوازمی که در اتاق نشیمن یافت می‌شود منعکس‌کننده دستاوردهای فرهنگی، دارایی‌های مادی و منزلت اقتصادی و اجتماعی خانواده است (Sills: ۱۹۹۱). جانسن، نیز مسئله استفاده از شیوه زندگی را برای مطالعه ترجیحات و بازاریابی مسکن پیشنهاد می‌دهد (Janson: ۲۰۱۱). در ایران در سال‌های اخیر پژوهشگران مختلفی به مفهوم بیرون و درون با عناوینی چون جداره‌ها- فضای وصل (بدیعی: ۱۳۸۱)، فضای مرزی- پیوندی (میرشاهزاده: ۱۳۹۰) و مفصل (رضاخانی: ۱۳۹۲) از نگاه فلسفی، زبان‌شناسی، معناشناسی و غیره پرداخته‌اند. همینطور محمدرضا مازندرانی حائری در کتاب خانه، فرهنگ، طبیعت تعدادی از خانه‌های سنتی شهرهای همدان، رشت، کاشان، شیراز و بوشهر را بررسی و آن را با خانه‌های معاصر مقایسه می‌کند. عنوان بخشی از کتاب بررسی شیوه زندگی و سازمان فضایی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر است که هدف آن را فهم تاثیر متقابل شیوه زندگی و شیوه شهرنشینی بر سازمان فضایی خانه بیان می‌کند (حائری مازندرانی: ۱۳۸۸: ۳۰). در مطالعه حاضر سعی شده است تا به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به بررسی تغییر روند شیوه زندگی از بناهای سنتی به امروزی منطقه آذربایجان شهر اردبیل پرداخته شود.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی فراوانی استفاده از فضاها برای فعالیت‌های مادی و معنوی در تصویر زیر ارائه شده است که مقایسه دقیقی از تغییرات استفاده از این فضاها می‌توان داشت؛ به‌طوری‌که فضاهایی مانند دهلیز و صاندیخانا به کلی از فرهنگ فضایی امروزه مردم اردبیل حذف شده است.



تصویر ۱- مقایسه تطبیقی تغییرات استفاده از فضاهای در بناهای سنتی قاجار، پهلوی و امروزی

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

مهم‌ترین فضاهای که بر مبنای شیوه زندگی و کالبد خانه و از نظر ساکنین برای خانه اردبیلی‌ها در سه دوره سنتی، سنتی معاصر و امروزی مطرح می‌باشد، در جدول زیر ارائه شده است. به‌وضوح قابل‌رؤیت است که حیاط و پذیرایی بیشترین اهمیت را برای مردم اردبیل در دوره‌های مختلف داشته است:

جدول ۱۵- اهمیت فضاها از دوره سنتی تا امروزی در شهر اردبیل

موضوع	سنتی	سنتی معاصر	امروزی
بر مبنای شیوه زندگی	طنبی، اتاق و حیاط	پذیرایی، اتاق و حیاط	پذیرایی و اتاق
بر مبنای کالبد خانه	حیاط و طنبی	حیاط و پذیرایی	حیاط و پذیرایی
از نظر ساکنین	حیاط و طنبی و صاندیخانا	حیاط و پذیرایی و کمد	حیاط و پذیرایی
از نظر زنان خانواده	وجود فضاهای با حریمیت	وجود نسبی فضاهای حریمیت	عدم وجود فضاهایی به منظور راحتی زنان

منبع: نگارنده، ۱۳۹۹

در بررسی تطبیق شیوه زندگی با کالبد خانه از دوره سنتی تا امروز نتایج زیر به‌دست آمده است:

- با گذشت زمان در ساختار کالبدی، اکثریت مردم از فعالیت‌های انجام‌شده در فضای باز (حیاط) منصرف شده و به فعالیت در فضای بسته داخل خانه روی آوردند. با حذف و کاهش فضای باز خانه و حذف فعالیت از آن بخش ساختار فعالیتی و کالبدی دچار تحول گردید و حیاط به عنصر دست دوم در کارکرد و کالبد تنزیل یافت. کارکردهای خانه کاهش یافته و از مکانی چندمنظوره به مکانی با کارکردهای محدود و صرفاً استراحت مبدل شده است. تنزل مفهوم خانه به واحد مسکونی نتیجه این تغییرات است.
- تغییر سبک زندگی کارکردگرایانه به سبک زندگی منفعلانه منجر به تقلیل نقش مکان در خانه‌های معاصر و امروزی شده است. تعدد فعالیت‌ها در خانه‌های گذشته موجب شکل‌گیری تعدد و تنوع فضایی و نیز تشخیص بخشی به مکان و نام‌گذاری آن‌ها با توجه به عملکردهای مختلف هر مکان می‌شد. با محدود شدن فعالیت‌های خانه در دوره معاصر و در پی آن کاهش تعداد و ابعاد فضایی، تداخل عملکردی در سازمان فضایی خانه پدیدار شد.
- مدت‌زمان اقامت در خانه در پی تغییر در نوع اشتغال و فراغت آزاد نسبت به دوره سنتی کاهش یافته و عدم تأمین نیازهای نسبتاً عالی انسانی، ناهنجاری‌هایی در پی داشته است.
- با انتقال فعالیت‌های اجتماعی از داخل خانه به فضای خارج از آن، خانه مکانی برای انجام فعالیت‌های شخصی مبدل شده است. این امر سبب گرایش به اتاق‌های شخصی برای افراد خانواده و تبدیل اتاق‌های چندعملکردی به فضای تک‌عملکردی شده است. این مهم، انسان امروز را هرچه بیشتر از فعالیت‌های اجتماعی در محدوده خانه دور می‌کند و او را در خانه به حال خود وامی‌گذارد.
- مشغولیت مادر در خانه‌های سنتی خانه‌داری بوده است که در دوره امروزی به‌صورت خانه‌داری و اشتغال در خارج خانه افزایش یافته است.

- اصلی‌ترین نتیجه در این مقاله متوجه هویت مکانی، روح خانه و چیرستی آن در شهر اردبیل و راه‌های دستیابی به آن می‌باشد که برای این امر راه‌کار را در یافتن الگوی مسکن مناسب اردبیل و اردبیلی دانسته و از منظر ایجاد مکان پایدار برای خانه هویت‌مند اردبیل اندیشیده شده است. حال با مقایسه تطبیقی در این مقاله مشخص شد فضاهای خانه اردبیلی در گذر زمان دستخوش تغییراتی هم در زمینه کالبدی و هم شیوه زندگی و استفاده از فضا بوده است. چیزی که حائز اهمیت است عدم‌توجه معماری امروزی اردبیلی‌ها به اصول و مفاهیم گذشته می‌باشد مفاهیمی که گاهی از روی ناآگاهی با تعاریف نامانوس دیگران جایگزین شده است. در گفت‌وگو با مردم اردبیل مشخص شد که آن‌ها نیز مشتاق استفاده از فضاهایی هستند که از گذشتگان برای آن‌ها به ارث مانده اما با اعمال تغییراتی جهت هم‌سازی این خانه‌ها با شیوه‌های زندگی امروزه.
- تغییرات فرسایشی که در این مقاله به‌وضوح قابل‌رؤیت است در بعضی موارد منجر به حذف یک فضا و مفهوم آن از خانه‌ها و اذهان مردم اردبیل شده است. این درحالی است که همان مخاطبان نیازهایی را مطرح کرده‌اند که طی گذر زمان فضاهای پاسخده همان نیازها از بین رفته است و یا کم رنگ گردیده است. فضاهایی مانند دهلیز، صاندیخانا، طنبی، قوناق اوتاقی، حیاط از مواردی است که کمبود آن‌ها در زندگی مردم اردبیل احساس می‌شود. تغییرات انجام گرفته در مفاصل ارتباطی فضاها، شکل و الگوی پلان، تغییرات در موقعیت و نحوه ورود به فضا، روشنایی و عملکرد فضا و در نهایت تطبیق کالبدی خانه با شیوه زندگی مردم اردبیل حاکی از این است که کیفیت فضاها در مواردی به‌خصوص در بحث کالبد سیر نزولی داشته؛ به‌طوری‌که باعث تغییر در شیوه زندگی مردم شده است.

فهرست منابع و مآخذ

- افشاری، محسن و پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۵). «مقیاس‌های روش زندگی در مسکن»، مسکن و محیط روستا، ۳۵(۱۵۴)، ۱۶-۳.
- بدیعی، ناهید. (۱۳۸۱). جداره‌ها (حریم وصل)، رساله دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران.
- بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، مریم و رحمت‌پناه، جنت. (۱۳۸۹)، عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه موردی: خانه رسولیان یزد)، مطالعات هنر اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۳، ۵۵-۸۸.
- بوردیو، پیر. (۱۳۹۱). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ثالث.
- پوردیهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). «فرهنگ و مسکن»، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، ۱۸-۳.
- خان‌بازاده، ساناز؛ ارمان، مریم و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۳۹۹). «بررسی نقش زنان معمار در معماری معاصر ایران (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی)». نشریه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۱، ۴۹-۱۹.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). «خانه، فرهنگ، طبیعت»، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- راپاپورت، ایموس. (۱۳۹۱). فرهنگ، معماری و طراحی، ترجمه ماریا برزگر و مجید یوسف نیاپاشا، ساری: انتشارات شلفین.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۶۶). انسان‌شناسی مسکن، تدوین توسط افضلیان، خسرو، مشهد: آستان قدس رضوی.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- رضاخانی، ژیلا. (۱۳۹۲). مفصل در معماری، رساله دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران، تهران.
- رضوی‌زاده، سیدنورالدین. (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر رسانه‌ها بر تمایل به تغییر سبک زندگی روستایی»، علوم اجتماعی، شماره ۳۱، ۱۱۴-۱۱۱.
- صادق پی، ناهید. (۱۳۹۱)، «تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی»، نشریه شهر و معماری بومی، دوره ۵، شماره ۲۷، ۴۲-۲۲.
- عبدالله‌زاده، سیده مهسا و ارژمند، محمود. (۱۳۹۱). «در جست‌وجوی ویژگی‌های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز)»، فصلنامه علمی- پژوهشی شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱۰، ۲۲-۱۰.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۶). «مدرنیته و مسکن (رویکرد مردم‌نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ۶۳-۲۵.
- مهدوی کنی، محمدسعید. (۱۳۸۶). «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقاتی فرهنگی، شماره ۱، ۲۳۰-۱۹۹.
- میرشاهزاده، شروین؛ غلامرضا؛ عینی‌فر، علیرضا. (۱۳۹۰). «نقش فضای مرزی-پیوندی در فرآیند آفرینش معنا»، هویت شهر، شماره ۹، صص ۱۶-۵.
- وحدت‌طلب، مسعود و حیدری، شهرام. (۱۳۹۸). «بازخوانی نحوه بروز زنانگی در معماری دوره تیموری با تمرکز بر مؤلفه‌های بصری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد)»، نشریه زن در فرهنگ و هنر، شماره ۴۴۷۹-۴۵۹.

Benedikter, R., Juergensmeyer M, & Anhe, H (۲۰۱۱). Lifestyle. The sage encyclopedia of global studies.

Janson SJ. (۲۰۱۱). Lifestyle Method. In S. Jansen, C. Coolen, R. Goetgeluk, The measurement and Analysis of Housing Preference and Choice, pp. ۱۷۷-۲۰۲, Dordrecht: Springer.

Lawrence R.J (۱۹۹۵),housing, Dwellings and homes.

Merriam-W. (۲۰۱۴). Webster Online Dic. Retrieved from www.merriam-webster.com, pp. ۱۰-۳.

Rapoport, A. (۲۰۰۳). Cultura, Arquitectura y Diseño. Barcelona: Edicions de la Universitat Politècnica de Catalunya.

Rapoport, A. (۲۰۰۵). culture, architectural and design. chicago.

Salama Ashraf M. (۲۰۰۶). A life Style Theories Approach for Affordable Housing Research in Saudi Arabia, College of Environmental Design, King Fahad University of Petroleum and Minerals, pp. ۶۷-۷۶.

Sills DL., Merton P. (۱۹۹۱). International Encyclopedia of the Social Sciences (E.S.S), New York: Macmillan.